

# شجاعت و تهور

این بار قلم سرکش می خواهد از عزیزترین قشر جامعه انتقاد کند. از آن جوانان غیور و بلند همتی که جان خود را برکف اخلاص نهاده اند و از دین خدا دفاع می کنند. از فرزندان رشید اسلام که پرچم افتخار و ایمان را برقله بلند شهادت به اهتزاز درآوردند؛ از نورچشمان این امت فداکار. آری! این بار روی سخن بارزندگان عزیز اسلام است.

شک نیست که شجاعت یکی از بهترین صفات و ملکات فاضله انسان است. بی اعتنائی به مرگ و فداکاری در راه آرمانهای مقدس و دفاع از حریم دین و مین ازوالانترین و ارزنده ترین خصلتها است. بخصوص آنجا که خریدار جان انسان خالق و پروردگار او باشد. آن میدان جنگی که در راه خدا و سرکوبی دشمنان خدا برپا شده زیباترین عرصه جانبازی است. و چه لذت بخش است سردادن در راه محبوب و جانان دادن به امید دیدار او.

بدون شک این معادله بسیار بجا و منطقی است که انسان چنین محاسبه کند: «یک بار خواهم مرد چه بهتر که مرگم در راه خدا و خدمت به اسلام باشد». این مرگ بمراتب بهتر از زندگی چند روزی است که در نهایت مرگی آرام و بی اثری مرگی زشت و وحشتناک در زیر چرخهای اتومبیل و مانند آن به دنبال داشته باشد. و این معامله نیز بسیار بجا و منطقی است که: «انسان جان خود را در برابر تحصیل رضایت حق و بهشت جاودان در کنار مهربان درگاه الهی بفروشد». و چه نادانند آنان که شهدا را مرده می دانند و مرگ آنها را استغبار می خوانند. جای حسرت و تأسف آنجا است که جوانی مسلمان در منجلاب فساد غوطه ور باشد. و جای افتخار و مباحثات است که جوان مؤمن در راه خدا در خون خود بغلظد.

## نه افراط و نه تفریط

ولی با همه اینها نباید از این مسأله مهم و حیاتی غفلت داشت که: میان شجاعت و تهور فاصله بسیار است. شجاعت مطلوب و مورد ستایش است ولی تهور برخلاف آن، نه از سوی عقلا و حکما ستوده است و نه خداوند آن را می پسندد و رضایت دارد. علمای اخلاق می گویند: عدالت این است که انسان در صفات و

ملکات خویش نه جانب افراط را بگیرد و نه سوی تفریط برود. نه تند روی و نه کند روی. و از جمله مواردی که ذکر شده شجاعت است که حکما آنرا از ملکات فاضله و اخلاق حمیده انسان می دانند و آن مرحله متوسطی است میان جبن و ترس از یک سو و تهور و بی باکی از سوی دیگر. همان گونه که ترس از صفات ناپسند انسان است بی باکی و بی احتیاطی نیز از صفات ناپسند است. هر صفتی اگر از حد خود تجاوز کند به ضد خویش تبدیل می یابد. در فلسفه می گویند «کل ماجاوز حده انقلاب الی ضده» و این قانون در مسائل اخلاقی نیز صادق است. هر ارزش اخلاقی که از مرز خود تجاوز کند ضد ارزش خواهد بود. زهد یک ارزش است ولی اگر بحدی رسید که مانع انجام وظایف اجتماعی شد ضد ارزش می شود. جود و بخشش یک ارزش است ولی اگر موجب ترک وظیفه انفاق برعیال و واجب التفرقه خویش باشد ضد ارزش است. شجاعت نیز یک ارزش والای اخلاقی و انسانی است ولی اگر به مرز بی باکی و بی احتیاطی برسد تبدیل به ضد ارزش می شود. رعایت حد و وسط در همه مسائل مورد اهتمام دین و اخلاق است.

قرآن کریم در مورد انفاق مال و «مشی»، امر به اعتدال فرموده است. ممکن است منظور از «مشی» روش زندگی باشد و ممکن است منظور راه رفتن باشد. در سوره لقمان می فرماید: «واقصد فی مشیک» یعنی در راه رفتن یا روش زندگی حد و وسط و اعتدال را پیشه کن. در سوره فرقان می فرماید: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا وکان بین ذلک قواما» آیه در مورد صفات بندگانی خالص خداوند است که می فرماید: در وقت انفاق نه اسراف می کنند و نه بخل می ورزند بلکه حد و وسط را رعایت می کنند. ظاهراً مقصود از انفاق، مصرف نمودن مال است به هر نحو که باشد نه خصوص بذل و بخشش.

و در جای دیگر خطاب به رسول اکرم «صلی الله علیه وآله وسلم» می فرماید: «ولا تجعل بدک مغلوله الی عشقک ولا تبسطها کل البسط فتقع ملوما محسوراً» نه دستان خود را به گردنت بیاویز (کنایه از اساک و بخل) و نه آن را چنان باز کن که تهی دست شوی و مورد ملامت دیگران قرارگیری. بطور کلی در قرآن دعوت به «سواء الصراط» و «صراط سویی» می شود که همان راه وسط و وسط راه است که نه به این سوی راه منحرف شود و نه به آن سوی.

## رعایت مسائل امنیتی در جنگ

در مورد احتیاط و رعایت مسائل امنیتی در جنگ دستور نماز خوف در قرآن وارد شده و ظاهراً حکم شکسته شدن نماز در ابتدا اختصاص به حال جنگ داشته و سپس به همه سفرها تعمیم داده شده است. و در دستور نماز خوف دوبار امر به هوشیاری فرموده: «ولیاخذوا حذرهم»، «وخذوا حذرکم» از دشمنان برحذر باشید. «ووالذین کفروا لوتغفلون عن امتعتکم و اسلحتکم فیمیلون علیکم میله واحده» دشمنان کافر شما در کمین اند که اگر غفلی کنید بر شما هجوم آورند.

و در یک فرمان عام از هرگونه برخورد افراطی که موجب هلاکت است منع فرموده: «ولا تلقوا بآیدیکم الی التهلكه» بادت خود خود را در معرض هلاکت قرار ندهید. و باتوجه به آیات پیشین که امر به جهاد کرده است به نظر می رسد منظور همین معنی باشد که از کارهای غیر عاقلانه که موجب هلاکت است و هیچ نتیجه مطلوبی ندارد، باید پرهیزید. نهی ظهور در حرمت دارد.

بنابراین هر عمل غیر ضروری که جان انسان را به خطر می اندازد و نتیجه ای بر آن مترتب نیست گناه است و شاید به یک معنی خود کشی باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «آفة الشجاعة اضعاف الحزم». حزم یعنی احتیاط و تدبیر. هر چیزی را آفتی است و صفات اخلاقی نیز آفتی دارد. بزرگان دین و علمای اخلاق ما را به این آفات متنبه ساخته اند تا مرز ملکات فاضله را نگه داریم. شجاعت نیز آفتی دارد و آفت آن به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام این است که مرد شجاع پس از پیروزیهای مکرر و نجات از مرگ به خود مغرور شود و حزم و تدبیر و مسائل امنیتی و جانب احتیاط را رعایت نکند و در نتیجه خود را به هلاکت بیا فکند.

## حضرت امیر «ع» و احتیاط در جنگ

در جنگ احد که جنگ انتقامی قریش بود. هند - مادر معاویه - که پدر و برادر خود را در جنگ بدر از دست داده بود، کینه ای سخت به دل گرفته و از وحشی - غلام حبشی خویش - خواست که حداقل یکی از مه تن را بکشد: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم یا امیرالمؤمنین علیه السلام یا جناب حمزه سیدالشهداء علیه السلام را. او که کارشناس مسائل جنگی بود گفت: اما محمد (ص)، نمی توان به

او دست یافت زیرا اصحاب و یارانش دور او را محکم گرفته اند. و اما علی (ع) مردی با حزم و احتیاط است و لحظه ای از خود غفلت نمی کند ولی حمزه را می توان کشت!! و چنان کرد.

نکته جالب توجه این است که کشنده ترین شمشیر در جنگهای اسلام، شمشیر علی (ع) بوده و بدون شک و به اعتراف دوست و دشمن او شجاعترین مرد روی زمین است. در عین حال چنان با احتیاط بود که هیچ کس نمی توانست او را غافلگیر کند، با این که نقل شده که زره آن حضرت پشت نداشته است.

از امام حسن عسکری علیه السلام حدیثی بسیار جالب در این باره نقل شده است «ان للسقاء مقداراً فان زاد علیه فهو سرف وللحزم مقداراً فان زاد علیه فهو جبن وللاقتصاد مقداراً فان زاد علیه فهو بخل وللشجاعة مقداراً فان زاد علیه فهو تهور».

(بحار ج ۶۶ ص ۶۰۷)  
هر چیزی را اندازه و حد و مرزی است که اگر از آن تجاوز کند به ضد آن تبدیل می شود. سخاوت و بخشش را اندازه ای است، اگر از آن گذشت اسراف است. تدبیر و دوراندیشی و احتیاط نیز اندازه ای دارد اگر از آن گذشت ترس می شود و اقتصاد در معیشت را اندازه ای است که اگر تجاوز کند بخل خواهد بود و شجاعت را نیز اندازه و مرزی مشخص است که اگر از آن بگذرد تهوری باقی است هر چیزی را مرزی است که پیش از آن و پس از آن ضد آن چیز است. ارزشهای اخلاقی نیز از این قاعده فلسفی مستثنی نیستند.

برخی از انسانها چنان بزدل و ترسو هستند که از صدای اسلحه فرار می کنند و با عذرهای واهی و بهانه های مختلف از حضور در جبهه سرباز می زنند! اینان این سوی مرزند. و برخی از افراد هیچ گونه مسائل امنیتی را برای محافظت بر جان خویش رعایت نمی کنند به گمان اینکه شهادت طلبی به همین معنی است که انسان بی باکانه خود را در معرض دید دشمن قرار دهد تا کشته شود. غافل از اینکه، این کار اقیاء نفس در تهلکه و نوعی خود کشی و بدون شک گناه است. اینان نیز آن سوی مرزند و کار آنها از حکمت و عدالت به دور است. این شجاعت نیست.

## هشدار


هشدار می که ما در این مقاله به رزمندگان عزیز می دهیم از این رو است که طبق اطلاعات واصله بسیاری از برادران تنها به این دلیل جان خود را از دست داده اند که نکات امنیتی را رعایت ننموده و خود را در معرض هلاکت قرار داده اند. گفته می شود: وقتی هواپیمای دشمن برفراز منطقه به پرواز درمی آید بعضی از برادران اگر در سنگر

باشند خارج می شوند و اگر بیرون باشند به سنگر پناه نمی برند و اگر کسی را ببینند که به سنگر پناه برده او را ترمومی خوانند و ملامت می کنند غافل از اینکه خود مورد ملامت خدا و رسول اند و وظیفه شرعی خود را نادیده گرفته اند «خذوا حذرکم» را نشنیده و «لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة» را فراموش کرده اند.

علیه السلام کنار دیواری نشسته بودند که به آن حضرت گفته شد دیوار مشرف برانهدام است. حضرت از آنجا برخاستند. شخصی پرسید: «انقر من قضاء الله؟ آیا از قضای الهی می گریزی؟ فرمود: «القر من قضاء الله الی قدر الله» از قضای الهی به تقدیر او فرار می کنم. یعنی هر دو قضا و قدر الهی است اگر بهمانم وزیر آوار بعیرم قضای الهی است و اگر جای دیگر بروم و سالم بهمانم بازهم قضا و تقدیر او است.


سبّ قاضی

دزدند گانم عزیز با بر ملا بر مقررات جبهه دستگیر فرایند  
عمر کنند مگر از منی دخالت را رعایت نمایند و تلفت عازیت



سبّ قاضی

تلفت را مقررات در هر صورت عازیت و بیکو تلفت عجز پناه کرده اند  
تعارف پناه در جبهه جود که از آن خود سازند تا زمانی که تعارض را در این صورت  
تلفت ضایع است.



و همچنین در رابطه با پیشگیری لازم در برابر بمبهای شیمیایی که بعضی از برادران از پوشیدن لباس مخصوص و زدن ماسک و امثال آن کراهت دارند و می پندارند که این کار نوعی ترس و بزدلی است! و گاهی برای خود فلسفه ای نیز چیده می گویند: از قضای الهی نمی توان و نباید فرار کرد! در روایت است که امیرالمؤمنین

**عدم رعایت اصول رواندگی**

از مسائل مهمی که از قرار مسموع در جبهه موجب تلفات سنگینی می شود عدم رعایت اصول رواندگی است. بار دیگر در همین جا فتوای حضرت امام را می آوریم تا حجت را بر همه برادران عزیز تمام کرده باشیم: این بسیار درد آور است که رزمنده ای بوسیله بی توجهی توراننده عزیز، کشته و یا معلول شود گرچه این مسأله در تمام کشور اهمیت فوق العاده دارد و آمار وحشتناک تلفات جاده بسیار موجب تأسف است و بدون شک تنها ارائه چند برنامه تلویزیونی نمی تواند جلوی این پدیده زشت و خطرناک یعنی بی اعتنائی به قانون و عدم رعایت مقررات در سطح شهرها و جاده ها را بگیرد.


بسم الله الرحمن الرحیم

مقرر است سرت ایستاد بر فیلد راه هم میسر نام در است

گاهی دیده میشود که بعضی از زدن گان شجاع با هم در گنبا اولی آن لازم در مقابل مقررات تلفت شبن مجرم در مورد بسیار است و بسیاری با سوزن و بکسای آموذشی هر طرف زینشان زینتند از بسائی که برای ساید با مواضع بسیار شیمیائی در اختیار دارند استند و ترقی می کنند تا همان که سوزن مدات قفالت میشد مستقی است نظر مبارک ما در این مورد برای زدن گان عزیز بیان فرمایند.

سبّ قاضی

منع است بر دستگیر فرایند و در هر صورت  
عمر کنند و تلفت از آن جبهه



گرچه روی سخن در این مقاله با زدن گان عزیز است ولی این مسأله باید بطور کلی مورد توجه و بحث مسئولین واقع شود که چرا در این کشور مخالفت قانون راهنمایی یک نوع زست و اظهار قدرت شناخته شده است. به نظر می رسد یکی از علل این امر، عدم توجه بعضی مسئولین مجریان قانون است. مخالفت قانون راهنمایی از سوی بعضی مسئولین انتظامی و رانندگان شخصتهای مملکتی حتی در موقعی که تنها هستند امری نیست که بر کسی مخفی باشد. و شاید به همین دلیل، پلیس در اجرای قانون از خود قاطعیتی نشان نمی دهد و مکرر دیده شده است که از کنار مخالفتهای علنی چشم بسته می گذرد و حداکثر با بلند گو تذکری می دهد!! بهرحال این مسأله ابعاد بسیار

دارد و باید همه ابعاد آن مورد بررسی قرارگیرد و تصمیم قاطعی برای جلوگیری از این پدیده زشت در این دنیای متمدن گرفته شود.

شکی نیست که مخالفت اصول راهنمایی بزرگترین عامل تلفات رانندگی است و طبق فتوای حضرت امام که در مجله ۵۲ به چاپ رسید «تخلف از مقررات در هر صورت جایز نیست و چنانچه تخلف پنحوی باشد که نوعاً در معرض وقوع تصادف باشد و موجب به وجود آمدن آن شود خسارتهای ناشی از تصادف را در این صورت متخلف ضامن است».

برادر رزمنده! تو از هر فرد دیگر سزاوارتری که به این دستور حضرت امام دام ظلّه عمل کنی و آن را نصب العین خود قراردی. مقررات و اصول راهنمایی و رانندگی تنها برای شهر و جاده نیست. سرعت غیر مجاز در هر جا باشد خطرناک است. همیشه صحنه احتمالی پیش آمدهای ناگوار رانندگی را در نظر داشته باش و این مطلب را به خود یادآوری کن که جان عده ای از بهترین فرزندان این امت وابسته به احتیاط و بی احتیاطی تو است. و این را بپذیر که اگر یکی از آنها به دلیل بی اعتنائی توبه اصول و مقررات رانندگی جان خود را از دست بدهد جنایتی بزرگ مرتکب شده ای و کمکی به دشمن خونخوار کرده ای.

البته در بعضی از موارد طبق گفته کارشناسان چاره ای بجز سرعت نیست زیرا احتمال آتش دشمن بیش از احتمال خطر تصادف است و منظور ما این گونه موارد نیست ولی شنیده می شود که برادران در سایر موارد نیز احتیاط را رعایت نمی کنند و بخصوص سرعت فوق العاده بعضی از آنها موجب تلفات شده است.

سرعت بسیار و شتابزدگی انسان نیز از پدیده های شگفت آور است. قرآن می گوید: «وكان الانسان عجولاً» انسان بسیار شتابزده است. و در جای دیگر از روی مبالغه می فرماید: «خلق الانسان من عجل». گوئی که انسان از شتاب آفریده شده است. چنین وسیله راحت و سریع در اختیار او قرار گرفته و همه راهها نزدیک شده باز هم او عجله

دارد. گوئی می خواهد به طرفه العین به مقصد برسد. و این عجله اگر هیچ ضرری به او نرزد حداقل او را بیشتر معطل خواهد کرد و با همین عجله وضع ترافیک را بر خود و دیگران مشکل می کند.

اگر قدری دقت کنیم اکثر تراکمهای سنگین که موجب معطلی و اشکال در ترافیک می شود ناشی از عجله بی مورد و مخالفت اصول راهنمایی است. در شهرها و جاده ها رانندگان دست چپ در اثر عجله و برای سبقت از خط خود خارج می شوند و جلوی حرکت اتومبیلهای مقابل را می گیرند و آنان نیز به همین دلیل مانع حرکت این خط می شوند. جای تأسف است که گاهی پلیس در چنین معرکه فقط نقش تماشاچی را دارد و حداکثر منتظر برخورد اتومبیلها است تا نقش خود را در حل و فصل مسأله ایفا کند، غافل از آنکه نقش اصلی او پیشگیری از به وجود آمدن چنین مشکلی است.

در پایان یادگیر توجه همه رزمندگان عزیز را به این نکته جلب می کنیم که آنها همچنانکه در پیشروی و حمله به دشمن مسئولیت دارند در حفظ و نگهداری از خود و برادران خود نیز مسئولیت دارند. تمام نکات امنیتی را که از سوی فرماندهان و مسئولین نظامی اعلام می شود باید به دقت و بعنوان یک وظیفه شرعی و الهی مورد توجه قرار دهند و کمترین مسامحه و اهمال روا ندارند که در غیر این صورت کشته شدن از باب القاء نفس در تهلکه خواهد بود و این امر مورد نهی خداوند است پس چگونه می تواند مصداق «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة» باشد؟ زنده از حدود وظیفه الهی خارج نشوید و عمل خود را که بالاترین و والاترین عمل مؤمن است یعنی جهاد در راه خدا با مخالفت فرمان او باطل نکنید و از آنچه موجب خشم و نارضایتی ذات مقدس او است بپرهیزید. خداوند فیوضات و عنایات بی پایانش را بر شما نازل فرماید و فتح و ظفرتها را نصیبتان کند و شما را سالم و موفق به آغوش خانواده ها بازگرداند تا مینهن اسلامی سالها از وجود پربرکت شما بهره مند شود. آمین.

تمام نکات امنیتی که از سوی فرماندهان و مسئولین نظامی اعلام می شود، باید به دقت و به عنوان یک وظیفه شرعی و الهی مورد توجه قرار گیرد و کمترین مسامحه و اهمال در این امر روا نیست چه در غیر این صورت کشته شدن از باب القاء نفس در تهلکه خواهد بود.